

افسانه‌های یهود و خطر بزرگ

بخش ششم

افسانه‌های یهود

یکی از برادران که تا اندازه‌ای به «تورات شفاهی» و متونی مانند تلمود گرایش داشت، پرسید: اگر نوجوانی دوازده‌ساله مرتکب قتل شود، مثلاً جان فردی پانزده یا شانزده‌ساله را بگیرد، تکلیف چیست؟ این پرسش در ظاهر حقوقی است، اما در واقع مسئله‌ای عمیق‌تر را نشان می‌دهد: مرجع داور و تصمیم‌گیری چیست؟ وحی مکتوب یا سنت‌های ربانی و افسانه‌های پسا کتاب مقدسی؟ هدف ما تعیین نوع مجازات نیست؛ بلکه روشن کردن جایگاه درست کتاب مقدس، حکومت، و کلیسا است. ایمان کتاب مقدسی برای حل مسائل عملی و حقوقی به افسانه‌ها و متون غیرالهامی رجوع نمی‌کند.

1) دوازده‌سالگی و مسئولیت روحانی

اشاره به «دوازده‌سالگی» برای تعیین مجازات یا حکم کیفری نیست، بلکه نشانه‌ی آغاز مسئولیت آگاهانه روحانی در سنت کتاب مقدسی است.

نمونه روشن: عیسی مسیح

«چون دوازده‌ساله شد... در معبد در میان معلمان نشسته، گوش می‌داد و سؤال می‌کرد.»

(انجیل لوقا ۲: ۴۲-۴۶)

این نشان می‌دهد که این سن، زمان درک و مشارکت دینی است. اما کتاب مقدس هرگز آن را مبنای قانون کیفری قرار نمی‌دهد. تبدیل این عدد به نظام جزایی دقیق، کار سنت ربانی است، نه وحی الهی.

2) اسرائیل در عهد عتیق: دین و حکومت یکی بود

در عهد عتیق، اسرائیل صرفاً یک جامعه مذهبی نبود، بلکه یک ملت - دولت تحت حاکمیت مستقیم خدا بود.

«کدام قوم است که احکام و فرایض عادلانه‌ای چون این شریعت داشته باشد؟»

(تثنیه ۴: ۸)

در آن ساختار:

- کاهنان مجری شریعت بودند

- انبیا هدایت الهی می‌دادند

- پادشاه عدالت اجتماعی را اجرا می‌کرد

این مثلث مسخ‌شده مانع آن می‌شد که تصمیم‌ها، صرفاً انسانی و تفسیری شود.

3) نمونه داوری الهی: دو زن و کودک

وقتی ابزار علمی وجود نداشت، خدا با حکمت مستقیم خود عدالت را برقرار می‌کرد.

نمونه:

سلیمان

«تمام اسرائیل دیدند که حکمت خدا در اوست تا داوری کند.»

(اول پادشاهان ۳: ۱۶-۲۸)

این داوری نه بر اساس سنت شفاهی بود و نه افسانه، بلکه بر پایه حکمت الهی بود.

یعنی مسح الهی جایگزین تفسیرهای انسانی می‌شود.

4) سکوت نبوی و پیدایش افسانه‌ها

پس از پایان دوران انبیا، اسرائیل وارد دوره‌ای طولانی از سکوت شد.

در همین خلا:

- افسانه‌ها

- میدراش‌ها

- و بعدها تلمود

گسترش یافت.

قاعده روشن است:

وقتی وحی خاموش شود، تخیل مذهبی فعال می‌شود.

اما برای کلیسا، با آمدن مسیح، این سکوت پایان یافت:

«در این ایام آخر به‌وسیله پسر خود با ما سخن گفته است.»

(عبرانیان ۱: ۲-۱)

برای ما مکاشفه، کامل شده است. اما برای کسانی که مسیح را نپذیرفتند، آن خلأ نبوت همچنان ادامه یافته و همین فقدان مکاشفه، زمینه رجوع به سنت‌های ربانی و متون غیرالهامی را فراهم کرده است.

5) عهد جدید: چه کسی مسئول اجرای عدالت است؟

پولس رسول صریح می‌گوید:

«حاکم خادم خداست... شمشیر را بیهوده بر نمی‌دارد.» (رومیان ۱۳: ۴)

یعنی:

• اجرای قانون و مجازات → حکومت

• تعلیم و هدایت روحانی → کلیسا

6) مثال‌های عملی و روشن

فرض کنید امروز در یک کشور، نوجوانی دوازده‌ساله مرتکب قتل شود.

این وظیفه کلیسا نیست که حکم صادر کند یا مجازات تعیین کند.

این قانون و دستگاه قضایی است که تصمیم می‌گیرد.

همین اصل در موارد دیگر نیز صادق است:

• در تصادف رانندگی که به مرگ منجر شود

• در سرقت

• یا هر جرم اجتماعی دیگر

در همه این موارد، حاکم و قانون‌گذار مسئول رسیدگی هستند، نه کلیسا.

به همین دلیل پولس می‌گوید:

«حاکم خادم خداست»

کلیسا جای دادگاه را نمی‌گیرد.

7) نقش حقیقی کلیسا

«برخی را شبانان و معلمان قرار داد.»

(افسیان ۴: ۱۱)

وظیفهٔ کلیسا:

- تعلیم
- هدایت
- تشخیص الهیاتی
- حفظ مرز وحی

و همان اصل بنیادین:

«از آنچه مکتوب است تجاوز نکنید.»

(اول قرن‌تین ۴: ۶)

پس نتیجه کاملاً روشن است:

- دوازده‌سالگی = مسئولیت و بلوغ روحانی
- عدالت کیفری = مسئولیت حکومت
- هدایت ایمانی = مسئولیت کلیسا
- معیار نهایی = فقط کلام الهامی مکتوب

نه تلمود،

نه افسانه‌ها،

نه سنت‌های انسانی، حتی اگر مذهبی و کهن باشند.

زیرا هر جا سنت جای وحی را بگیرد، انحراف آغاز می‌شود.